

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: سلمان رفیع شیخ  
برگردان: م. قربانی  
۳۱ جنوری ۲۰۲۴

## درک رهیافت چین در جنگ غزه



چین یک بار دیگر خواستار آتش‌بس جامع و دائمی در غزه شده است که شامل جدول زمانی مورد توافق جامعه جهانی برای ایجاد کشور جداگانه برای مردم فلسطین است. دیدگاه چین، که بسیاری در غرب آن را طرفدار اعراب می‌دانند، از آغاز مرحله کنونی جنگ اسرائیل علیه غزه ثابت بوده است. جنگی که تاکنون جان ۲۳,۰۰۰ غیر نظامی از جمله ۱۰,۰۰۰ کودک را گرفته است. چین کوشیده است مسیر بحران را طوری طی کند که از منافع عمده خود، یعنی از سرمایه‌گذاری‌های چندین میلیارد دلاری خود در سراسر منطقه محافظت کند. یک جنگ گسترده‌تر در منطقه می‌تواند به منافع چین بیش‌تر از هر قدرت منطقه‌ای دیگر آسیب برساند. چین حضور اقتصادی عمیقی در اکثر کشورهای جهان عرب دارد. اگرچه روابط اقتصادی سالمی با اسرائیل دارد، اما مناسبات آن با جهان اسلام، شامل ایران، در غرب آسیا بسیار سنگین‌تر از روابط آن با اسرائیل است. مجموع سرمایه‌گذاری چین در غرب آسیا و شمال آفریقا بیش از ۲۳۹ میلیارد دلار است. این غیر از تجارت دوجانبه‌ای است که در سال ۲۰۲۱ از ۳۳۰ میلیارد دلار فراتر رفت.

به عکس، مناسبات تجاری دوجانبه چین-اسرائیل کمتر از ۲۵ میلیارد دلار است. تا سال ۲۰۱۸، چین سرمایه‌گذار عمده‌ای در اسرائیل، به ویژه در بخش تکنولوژی بود. اما، به دلیل افزایش فشار امریکا بر سرمایه‌گذاری‌های چینی، همراه با «خطرات امنیتی»، سرمایه‌گذاری‌های چین کاهش یافت. این گرایش‌ها در سرمایه‌گذاری و بازرگانی گزینه‌های چین را برای عبور از بحران کنونی شکل می‌دهند. از یک سو این گرایش‌ها توضیح می‌دهند که الف) چرا چین موضع طرفداری از اعراب اتخاذ کرده است، و ب) چرا چین از گسترش منطقه‌ای جنگ هراس دارد. جنگ گسترده‌تر نه تنها

می‌تواند بر میلیاردها دالر (سرمایه‌گذاری) تأثیر داشته باشد، بلکه می‌تواند میلیون‌ها چینی مستقر در منطقه را که روی پروژه‌های متعدد مشغول کار هستند، به خطر بیندازد. تخلیه این تعداد از مردم خود یک کابوس خواهد بود.

بیجینگ از تجاوز ناتو به لیبیا در سال ۲۰۱۱ درس مهمی گرفت. هنگامی که ناتو در سال ۲۰۱۱ لیبیا را مورد تجاوز قرارداد، چین هزینه گزافی پرداخت. بر اساس ارقامی که دولت چین انتشار داد، ۷۵ شرکت چینی، از جمله ۱۳ شرکت دولتی چین در قریب به ۵۰ پروژه مشترک مشارکت داشتند. بیش از ۳۵.۰۰۰ کارگر چینی در آنجا مشغول به کار بودند. شرکت دولتی کورپوراسیون مهندسی ساختمان گزارش داد که مجبور شد پروژه ساختمان مسکونی ۲.۶۸ میلیارد دلاری را، زیر فشار تهدید، نیمه‌تمام رها کرده و کشور را ترک کند. به گزارش شرکت ساخت راه‌آهن چین پروژه‌های راه‌آهن به ارزش ۴.۲۴ میلیارد دالر ناتمام ماند. شرکت دولتی متالورژی چین نیز اعلام کرد که پروژه‌های لیبیا با ارزش باقی‌مانده ۵.۱۳ میلیارد یوان را به حالت تعلیق درآورده است.

چین قادر نیست سناریوی مشابهی را متحمل شود، زیرا این بار تأثیر بسیار بزرگتری نسبت به لیبیا خواهد داشت، نه تنها به این دلیل که سرمایه‌گذاری‌های صدها میلیارد دلاری تحت تأثیر نامطلوب قرار می‌گیرند، بلکه به این دلیل که جنگ قطعاً یک بحران جهانی انرژی ایجاد می‌کند که بر اقتصاد چین، که شدیداً به واردات نفت از این منطقه متکی است، تأثیر می‌گذارد. لذا چین نه تنها از جنگی که اکنون ادامه دارد بیزار است، بلکه از گسترش آن نیز هراس دارد.

گذشته از منطق اقتصادی، منطق امنیت اجتماعی برای بیجینگ حائز اهمیت بیشتری است. مواضع ضد فلسطینی و موافق اسرائیلی/امریکائی می‌تواند بیجینگ را در خط آتش افراط‌گرایی مذهبی قرار دهد. چین در باره «مشکل مسلمانان» در منطقه شین جیانگ خود حساس است. بیجینگ معتقد است که موضع‌گیری طرفداری از فلسطین به آن کمک می‌کند، زیرا: الف) به اعتبارات مسلمانان طرفدارش کمک خواهد کرد، تا چهره خود را در جهان اسلام بهبود بخشد و در برابر تبلیغات غربی که چین را به داشتن «اردوگاه کار اجباری» متهم می‌کند، مصون بماند، و ب) این به جلوگیری از گسترش رادیکالیسم در داخل مرزهایش کمک می‌کند. به عکس، موضع طرفداری از اسرائیل می‌تواند بیجینگ را به نشانگاه نیروهای جهادی نه تنها در درون مرزهایش، بلکه در خارج از آن، یعنی در پاکستان، افغانستان و غیره، تبدیل کند.

این موضع یک حسابگری ستراتیژیک نیز دارد. این ستراتیژی با آنچه به عنوان «معماری جدید امنیتی چین برای غرب آسیا» از سوی وانی ئی، وزیر امور خارجه چین، در سپتامبر سال ۲۰۲۲ معرفی شد، گره خورده است. وزیر خارجه با برجسته کردن این دیدگاه گفت: «مفهوم امنیتی جدید» بر امنیت مشترک، فراگیر و همکاری پایدار مبتنی است. از این مهم‌تر، به دنبال ایجاد موقعیت مسلط کشورهای غرب آسیا (در مقابل بازیگران فراسرمینی) است که نه تنها از اهداف و اصول منشور سازمان ملل تبعیت می‌کنند، بلکه به طور مستقیم امنیت منطقه را تقویت می‌کنند.

تقویت کشورهای غرب آسیا به عنوان بازیگران غالب، عنصر کلیدی فشار چین برای ایجاد نظم جهانی چند قطبی است. به این ترتیب، بیجینگ با اتخاذ سیاست طرفداری از اعراب، اساساً موقعیت جهان عرب را در قبال نه تنها اسرائیل، بلکه در مقابل غرب جمعی نیز تقویت می‌کند، به طوری که غرب به گونه‌ای رفتار کند که منافع این کشورها را در نظر داشته باشد و در عین حال برای ایجاد فشار بر این کشورها می‌کوشد راحلی عادلانه برای آنچه که چین آن را «هسته مرکزی» مسأله می‌داند بیابد، مسأله‌ای که منطقه را از جنگ جهانی دوم به این سو، تحت تأثیر قرار داده است.

بیجینگ با اتخاذ سیاست طرفداری از اعراب می‌خواهد از منافع متعدد به مخاطره افتاده محافظت کند. در غیر این صورت، اگر بیجینگ موضعی به طرفداری از اسرائیل اتخاذ کند، نمی‌تواند هیچ‌یک از این اهداف را برآورده سازد. مثلاً، سیاست طرفداری از اسرائیل، مستقیماً موقعیت اسرائیل در قبال جهان عرب را تقویت خواهد کرد. این حتی ممکن

است اسرائیل را به گسترش جنگ برای اجرای نسخه «رامحل نهائی» خودش علیه فلسطینی‌ها تشویق نماید. در این حالت، احتمال گسترش جنگ بیش‌تر از وضعیتی است که چین (و روسیه) در کنار جهان عرب قرار گیرند. به علاوه موضع ضد امریکائی/ضد اسرائیلی آن‌ها ممکن است پتانسیل و توان ملی جهان عرب را تقویت کند تا از اقدامات وحشیانه اسرائیل برای تعقیب سیاست به اصطلاح «اسرائیل بزرگ» به بهای جان میلیون‌ها نفر جلوگیری کند.

\*\*\*\*\*

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۲۳ جنوری ۲۰۲۳